

تکاپو

برگ‌هایی از دفتر زندگی
همراه با رویدادهای فرهنگی و اجتماعی

www.ketab.ir

دکتر عبدالله نصرتی

سرشناسه: نصرتی، عبدالله، ۱۳۲۶-

عنوان و نام پدیدآور: تکاپو: برگ‌هایی از دفتر زندگی همراه با رویدادهای فرهنگی و اجتماعی / عبدالله نصرتی.

مشخصات نشر: همدان: روزاندیش، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۳۸ ص.

شابک: ۹۷۸۶۰۰۴۳۸۲۹۱۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

عنوان دیگر: برگ‌هایی از دفتر زندگی همراه با رویدادهای فرهنگی و اجتماعی.

موضوع: نصرتی، عبدالله، ۱۳۲۶ - - خاطرات

موضوع: نویسندگان ایرانی - - قرن ۱۴ - - خاطرات

موضوع: Authors, Iranian - - 20th century - - Diaries

رده بندی کنگره: PIR۸۳۶۲

رده بندی دیویی: ۸۷۸/۳۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۲۹۱۸۵

همدان، میدان دانشگاه، ابتدای خیابان جهاد، جنب بانک مسکن، طبقه زیرین مجتمع خجسته



تلفن: ۰۲۸-۳۸۲۳۳۷۳۳-۳۸۲۳۳۷۳۳-۰۲۸-۳۸۲۳۳۷۳۳

پست الکترونیکی: RoozBook۷۸@gmail.com

عنوان: تکاپو (برگ‌هایی از دفتر زندگی همراه با رویدادهای فرهنگی و اجتماعی)

مؤلف: عبدالله نصرتی

عکس روی جلد: نویسنده کتاب در لباس سپاهی دانش

ناشر: روزاندیش

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸۶۰۰۴۳۸۲۹۱۵

قطع: رقعی

تیراژ: ۲۵۰

قیمت: ۸۰۰۰۰۰ ریال

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف و ناشر، نشر یا پخش یا عرضه نماید مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۵	مقدمه
۱۷	نوزاد دلنشین
۱۸	بیماری خواهر و دعای من
۱۸	کمر بسته‌ی امام رضا(ع)
۱۹	زادگاه من
۲۱	پدر و مادر
۲۲	یک قصه و غصه پایدار
۲۴	وضعیت خانوادگی
۲۶	مکتب‌خانه‌ی روستا
۲۹	جعبه‌ی جادویی
۳۱	یک خاطره وهم انگیز از دوران کودکی
۳۱	یک خاطره دیگر در فضای خانواده
۳۲	ماجرای سیگار کشیدن برادر
۳۳	خاطره‌ی وهم انگیز از یک حادثه بزرگ تاریخی
۳۴	تأسیس مدرسه‌ی دولتی
۳۹	عبور چادر نشین‌ها و ایللیات از روستا
۴۲	آمدن گولی‌ها
۴۲	تاختن با اسب چوبین
۴۶	یک خاطره‌ی طلایی و خیال انگیز
۴۷	این گرگ، آن گرگ نیست!
۴۸	باخت نومید کننده
۵۱	چراغ توری به جای عروس

۵۴	وضع نامطلوب حمام و حمامی ها
۵۹	دلاک‌های روستا (سلمانی‌ها)
۶۰	قربانی و مهمانی در امامزاده‌ی روستا
۶۱	سوگواری‌ها و بزرگداشت‌ها
۶۴	آسیاب‌ها
۶۷	آغاز سفرهای تحصیلی و جدایی از خانواده
۶۹	آتش در منزل دانش‌آموزی
۷۰	درد گرسنگی
۷۱	منزوی اما منضبط
۷۲	چهره‌های منفور و ترسناک
۷۴	نورممد خان و بهانه‌گیری‌ها
۷۶	فرشته‌ی لنگ (جلاقی فرشته)
۷۸	نخستین دیدار از شهر همدان
۷۹	خانه شاگردی!
۸۱	ادامه تحصیل
۸۲	تحصیل در همدان و گرایش به نقاشی
۸۶	زلزله‌ی بوئین زهرا
۸۷	نخستین جلوه‌های دموکراسی!
۹۰	یگانه دوست دوران دانش‌آموزی
۹۱	یک جنایت در روستا
۹۳	من و گرز و میدان افراسیاب! (حضور من در دو درگیری)
۹۶	ملک پله‌کان را برگردانده!
۹۶	انقلابی در روستا (سال ۱۳۳۸)
۱۰۰	باز هم ترک تحصیل
۱۰۲	فرشته‌ی یاری‌گر
۱۰۳	معلمی روزمزد
۱۰۵	معلم روحانی من
۱۰۶	شرکت در امتحانات ششم دبیرستان
۱۰۷	کشاورزی من
۱۱۰	یک شب خوف انگیز

مقدمه

خیال روی تو چون بگذرد به گلشن چشم
دل از پی نظر آید به سوی گلشن چشم
سزای تکیه گهت منظری نمی بینم
منم ز عالم و این گوشه‌ی معین چشم

نوشتن سرگذشت و ثبت خاطره‌ها، برآورنده و سزاوار کسانی است که از اندک نبوغی برخوردارند و در سایه‌ی این نبوغ توانسته‌اند در طول زندگی گام‌هایی مثبت در عالم فرهنگ و هنر و ادب و شعر و علوم مختلف بردارند و بخشی از جهان بشریت از اندوخته‌ها و دستاوردهای آنان بهره‌مند شده است. ثبت تجربه‌های آنان و ارائه‌ی مسیرهایی که پیموده و دستاوردهایی که کسب کرده‌اند، می‌تواند برای دیگران و نسل‌های بعدی ارمغان ارزنده‌ای باشد تا قلم جای پای آنان بگذارند و مسیری را که آنان پیموده‌اند، به راحتی و روشنی پیمایند و بر تجربه‌ها و دستاوردها بیفزایند و به هدف‌های مطلوب برسند. به علاوه، این گونه نوشته‌ها سبب تسهیل‌تری برای افرادی است که خداوند موهبت هنر را به آنان ارزانی داشته و قلم آفریننده و شیوا و توانا در اختیارشان گذاشته تا عرصه‌ها و زوایای عمر مفید خود و گردش روزگار را به شیوایی به نگارش درآورند و مخاطبان و خوانندگان خود را غرق در لذت آفرینندگی و حلاوت قلم خود سازند.

من بار آمده در فضای محروم روستا، نه خرده ذوقی دارم، نه از نبوغ برخوردار هستم، نه کار کارستانی کرده‌ام و نه قلم و بیانی چنان شیوا و توانا که جاذبه‌ای داشته باشد، پس مصلحت در آن است که زبان در کام کشم و ناتوانی و بی‌بضاعتی خود را عیان نسازم؛ اما اصرار فرزندان وادارم کرد دفتری را سیاه کنم و از تصویرهای پراکنده‌ی زندگی محدود خود سیاه مشقی قلمی کنم، چرا که در زندگی هفتاد ساله‌ی خود فراز و نشیب‌هایی تجربه کردم که شاید شنیدن و باور برخی از آن‌ها با آن دشواری‌ها آسان نباشد. زندگی‌ای توأم با محرومیت و پیمودن راه دشوار فراگیری

دانش از کودکی و نوجوانی با پای پیاده یا از طریق استفاده از چهارپا و سپس رودرو شدن با تجربه‌های زندگی نوین و تماشای حرکت شگفت انگیز تمدن، از روزگار رد و بدل شدن یک ماهه‌ی یک نامه بین دو شهر در داخل کشور تا ارتباط با رسانه‌های حیرت‌آور امروزی در لحظه، چنان که من در ایران و فرزندانم در آن سوی جهان شب‌نشینی چند ساعته و رودرو داشته باشیم، یا روزها و ساعت‌ها به گفتگو بنشینیم و محیط‌های علمی اینجا و آن‌جا را با هم بسنجیم و مقایسه کنیم.

ثبت این تجربه‌ها و رویدادها هرچند با خامه‌ی نارسای من حداقل شاید برای مردم منطقه‌ی محروم خالی از لطف نباشد. این انگیزه از طرفی و از طرف دیگر لطف و محبت فرزندان و یاری بی‌دریغ آنان و محبتی که یاران فرهنگی و دانشگاهی و مردم صمیمی مناطق رزن و قروه و فامنین و زادگاهم کرفس و دوستانی از شهرهای دیگر و خود شهر همدان و همچنین مدیران سازمان‌ها و اداره‌ها و نهادهای شهرداری‌ها - به ویژه در مراسم نکوداشت اینجانب که بزرگوارانه از خود به نمایش گذاشتند و مایه‌ی افتخار بود - انگیزه‌ام را در برداشتن این گام جسارت‌آمیز تقویت نمود و به آن سرعت بخشید. امید که این تکاپو مایه‌ی اتلاف وقت مخاطبان و خوانندگان نشود و بتواند گامی کوچک در شناخت شرایط فرهنگی و اجتماعی منطقه و کشور عزیزم در طول بیش از نیم قرن حساس فراهم آورد.